



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۴۰۳، دوره ۷، شماره ۴، صص ۳۷۸-۳۶۶

شکارهای ناصرالدین شاه قاجار و پیامدهای آن بر حیات وحش ایران

جعفر آقازاده

دانشگاه محقق اردبیلی. دانشکده علوم اجتماعی. گروه تاریخ. اردبیل. ایران. i.agazadeh@uma.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷

چکیده

در دوره قاجار شکار و شکارگری به عنوان یکی از تفریحات و سرگرمی‌های پادشاهان این سلسله به حساب می‌آمد؛ در این میان ناصرالدین شاه قاجار بیش از همه شیفته شکار بود و بخش بزرگی از اوقات فراغت و حتی زندگی خود را به آن اختصاص داده بود. او مهارت زیادی در شکار داشت و به صورت گسترده به شکار حیوانات حیات وحش ایران می‌پرداخت. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم که شکار چه جایگاهی در نزد ناصرالدین شاه قاجار داشت و پدیده شکار گسترده چه تبعاتی برای حیات وحش ایران داشت؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ناصرالدین شاه قاجار در ادامه سنت شکارگری سلاطین ایرانی، علاقه وافری به شکار داشت و در فنون و شاخه‌های مختلف شکار مهارت فوق‌العاده‌ای داشت و بخش بزرگی از ایام سلطنت خود را به شکار پرداخت. شاه و اطرافیانش هیچ محدودیتی در شکار گونه‌های مختلف جانوری برای خود قائل نبودند و این مسئله سبب کاهش جمعیت گونه‌های ارزشمند جانوری ایران در این دوره شد.

واژه‌های کلیدی:

شکار، ناصرالدین شاه قاجار، تفریح و سرگرمی، حیات وحش ایران.

پدیده شکار قدمتی به درازای عمر بشر دارد، انسان‌ها از ابتدا برای تأمین نیازهای اولیه و ادامه بقای خود به آن پرداخته‌اند. با یکجانشین شدن انسان‌ها، شکار اهمیت پیشین خود را از دست داد و به‌مرور به یکی از تفریحات و سرگرمی‌های مردم به‌ویژه اعیان و اشراف و در رأس همه پادشاه و اعضای خاندان سلطنتی تبدیل شد. در سنت باستانی ایران، این محبوبیت و توجه به عرصه شکار مختص به مردم عادی نبوده و نزد شاهان طبقه حاکم از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است و قدرت جنگاوری شاه را در زمان صلح نمایان می‌کرد و باوجود خطرات احتمالی برای شخص شاه، از انجام آن خودداری نمی‌کردند. این سنت در دوره اسلامی هم ادامه یافت و با سنت‌های قبیله‌ای ترکان درهم آمیخته شد، به‌طوری‌که شکار به جزئی از زندگی شاهان ایرانی تبدیل شد. شاهان حکومت قاجار به‌ویژه فتحعلی شاه و ناصرالدین‌شاه این سنت باستانی توجه فراوانی داشتند و بخش مهمی از زندگی خود را در مناطقی چون دوشان تپه و جاجرود،... به شکار و تفریح می‌پرداختند. علت این امر در ابتدا حس راحت‌طلبی و خوش‌گذرانی شاهان و درباریان و در مرحله بعد کسب مشروعیت و اثبات توانایی نظامی و لیاقت کافی برای مدیریت کشور و استقرار در مقام شاهی بوده است. علاقه به پدیده شکار در نزد شاهان سلسله قاجار یکسان نبوده و در طول حکومت این امر متفاوت بود، اما بدون تردید ناصرالدین‌شاه در این حوزه دست برتر را دارد. او با توجه به فراغت حاصل از صلح و آرامش با همسایگان، افزایش امنیت داخلی و حکومت طولانی‌مدت با خیال راحت به تفریح موردعلاقه خود پرداخت و اسناد و مدارک تاریخی برجای‌مانده ثابت می‌کند که گویا در تاریخ ایران کسی در پرداختن به شکار به پای او نمی‌رسد.

پیشینه پژوهش

در رابطه با شکار و شکارگری سلطنتی در عصر قاجار پژوهش‌هایی انجام شده است، اما در آن‌ها کمتر به جایگاه شکار در نزد ناصرالدین‌شاه و تبعات آن برای حیات وحش ایران پرداخته‌اند؛ آدینه‌وند و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله «تحلیل پدیده‌ی شکار سلطنتی در عصر قاجار»، جایگاه شکار در نزد برخی از شاهان قاجار به‌ویژه فتحعلی شاه، ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین شاه را بررسی کرده‌اند. قنبری و خزایی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «قرق و امنیت شکار در ناصری»، به پدیده قرق و چگونگی تأمین امنیت شکارگاه‌های سلطنتی پرداخته‌اند. قنبری و طولابی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «شکار حیوانات توسط اشراف قاجار و پیامدهای زیست‌محیطی آن»، به صورت کلی نقش شکار حیوانات در از بین بردن گونه‌های ارزشمند حیوانی را بررسی و تحلیل کرده‌اند، اما چون موضوع آن‌ها کل دوره قاجار است، نگاه دقیقی به دوره ناصرالدین‌شاه نداشته‌اند.

روش

روش پژوهش حاضر، کیفی به‌صورت توصیفی-تحلیلی است. جامعه پژوهش، کلیه منابع مربوط به دوره ناصری است. نمونه پژوهش متون مربوط به نظرات و دیدگاه‌های مورخان و سفرنامه نویسان نسبت به پدیده شکار در این

دوره بود. جهت دست‌یابی به هدف پژوهش حاضر، جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای از طریق فیش‌برداری از میان منابع و متون تاریخی موجود انجام شد. سپس اطلاعات جمع‌آوری‌شده، تحلیل، ترکیب و جمع‌بندی شد.

شیوه‌های شکار در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار

شکار از دیرباز جزو تفریح‌های رایج بخشی از مردم ایران به حساب می‌آمد، اما در دوره قاجار روایت‌های بیشتری از جزئیات آن به‌جای مانده که ابعاد مختلف آن را مشخص می‌کند. در این دوره شکار به شیوه‌های مختلفی انجام می‌گرفت؛

- شکار با سگ‌های تازی از شیوه‌های معمول شکار در این دوره بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۶؛ ویلز، ۱۳۶۸: ۱۲۴). برای این کار سگ‌های تازی را به دست مربیانی به نام «تازیچی» یا تازی‌کش می‌سپردند تا شیوه و روش شکار را به آن‌ها بیاموزند (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۹: ۹). از سگ‌های تازی بیشتر برای شکار کردن خرگوش، گراز و آهو استفاده می‌شد (دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۱۳-۱۱۲). روش کار تازی‌ها این بود که هر زمان حیوانی که تیر خورده بود، تازی را به تعقیب آن می‌فرستادند، تازی خود را به آن رسانده و گیر می‌انداخت و سپس شکارچی به سروقت شکار می‌رفت (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۸: ۲۳). البته گاه علاوه بر حیوانات زخمی، دیگر حیوانات هم مستقیماً به وسیله این سگ‌های تازی شکار می‌شدند (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۹: ۹؛ ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷: ب: ۵۱)

- نوع دیگری از شکار در ایران به وسیله‌ی تعبیه‌ی تله انجام می‌شد (موریه، ۱۳۸۶، ج ۲: ۵۶) این نوع شکار بیشتر در نواحی مازندران و گیلان متداول بود و از این طریق پلنگ، گربه‌ی وحشی و شغال شکار می‌شد (دروویل، ۱۳۶۸: ۲۲۵).

- در این دوره از روش مرسوم به شکار جرگه نیز استفاده می‌شد (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۸۹: ۱۳۱؛ معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۷۸). در این نوع شکار سواران شکارهای موردنظر را به سمت سوارهای تازه‌نفس هدایت می‌کردند و آن‌ها را به دام می‌انداختند (موریه، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۴۶).

- شکار با تفنگ یکی از عمومی‌ترین شیوه‌های شکار در عصر قاجار بود که ایرانیان در آن مهارت زیادی داشتند (دوراند، ۱۳۴۶: ۶۳؛ خودزکو، ۱۳۵۴: ۶۶). شکارچیان ایرانی مجهز به تفنگ‌هایی بودند که لوله‌ی آن‌ها بسیار دراز و قطر لوله بسیار گشاد بود. آن‌ها برای تیراندازی باید چخماق و فتیله‌ای را روشن می‌کردند که با وجود مشکلات زیاد در این زمینه در شکار پرندگان هنگام پرواز مهارت زیادی داشتند (عین السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۳۶؛ تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۰-۲۱۱). رواج تفنگ در شکار باعث شده بود که شکار به راحتی و در حجم وسیعی انجام می‌گرفت. در این دوره در کنار تفنگ، شکار با تیر و کمان نیز هنوز مرسوم بود (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۴۴-۱۴۳).

• در عصر قاجار گروهی از مردم به شکار با قوش علاقه‌مند بودند و در این کار مهارت قابل توجهی داشتند (چریکوف، ۱۳۸۵: ۳۴؛ فلاندن، ۲۵۳۶: ۷۲). شکار با قوش به خاطر هزینه‌های مربوط به تهیه و نگهداری از آن بسیار پرهزینه بود، بنابراین بیشتر در میان پادشاهان، شاهزادگان، حکام و به نسبت کم‌تر مردم عادی رایج بود. در دوره ناصرالدین‌شاه، شکار با قوش نیز توسعه یافت و معمولاً در شکارگاه‌های وی قوشچی هم حضور داشت (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ ب: ۴۵۸-۴۵۹) اگرچه وی علاقه بیشتری به شکار با تفنگ داشت.

علاقه ناصرالدین‌شاه قاجار به شکار

ناصرالدین‌شاه قاجار (حکومت ۱۲۶۴-۱۳۱۳ هـ ق) شاه خوش‌گذرانی بود و علاقه زیادی به انواع تفریحات داشت (ویلس، ۱۳۶۳: ۵۰؛ مونس‌الدوله، ۱۳۸۰: ۱۲). در در این میان او اشتیاق زیادی به حضور در طبیعت و کوه و پرداختن به شکار داشت و به‌مرور این علاقه در طول سلطنتش بیشتر شد (شیل، ۱۳۶۸: ۵۵) شکار حیوانات یکی از تفریحات سنتی مهم ناصرالدین‌شاه مانند بسیاری از پادشاهان پیش از او بود که به‌نوعی از فرهنگ سلطنتی در سلسله قاجار تبدیل شده بود. علاقه شاه به شکار باعث می‌شد هر وقت فرصتی مناسب پیدا می‌کرد، به دنبال این کار می‌رفت. گذشته از مسافرت‌های طولانی که یک سال در میان و یا هر سال در داخل کشور می‌کرد، اکثر وقت خود را در این مسافرت‌ها به شکار می‌گذراند. به‌طوری‌که در زمستان به جاجرود و در تابستان به پشت کوه و البرز و بهار و پاییز به دوشان تپه می‌رفت که هدف اصلی از این کار شکار بود (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ الف: ۴۸). ناصرالدین‌شاه در ۵ جمادی‌الاول ۱۳۱۰ هـ ق به‌صورت متناوب ۵ روز در دوشان تپه و ۱۱ روز در جاجرود به شکار پرداخت (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ ب). علاقه به طبیعت و کوه‌های شمال تهران سبب می‌شد که او گاه بدون آن‌که قصد شکار داشته باشد، به همراه اطرافیان به قصر و عمارت دوشان تپه یا جاجرود در اطراف تهران می‌رفت و شب به کاخ سلطنتی در تهران بازمی‌گشت (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ ب: ۴۳). علاقه به شکار در میان پادشاهان قاجار به حدی اهمیت داشت که بسیاری از آنان دارای شکارگاه‌های سلطنتی بودند و ناصرالدین‌شاه نیز از این امر مستثنا نبود؛ کوه‌های اطراف تهران اکثر قرق و شکار و بوته کنی در آن‌ها غدغن بود. قاعده این بود که هرکه در قرق شاه شکار می‌کرد، شکار و ادوات آن‌ها را ضبط کنند. شکارگاه جاجرود نیز از دیگر مناطق موردعلاقه ناصرالدین‌شاه بود که در آنجا به شکار خرس و پلنگ می‌پرداخت. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ج ۳: ۲۰۱۹؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۱۳۰؛ مستوفی، ۱۳۲۴، ج ۱: ۴۱۴) اگر اشخاصی این قرق را به هر نحوی که شده می‌شکستند، به‌شدت تنبیه می‌شدند (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۵: ۱۴).

علاوه بر شکار گاه جاجرود، شهرستانک داری آب‌وهوای خوش بوده و یکی از معتبرترین شکارگاه‌های رشته‌کوه البرز به شمار می‌رفته است که ناصرالدین‌شاه هر ساله چند روزی را در آنجا به هواخوری و شکار می‌گذراند. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۴۵؛ ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۵: ۱۴) ناحیه کن در لار نیز در زمره شکارگاه‌های شاه قرار داشته است. وی که علاقه وافری به شکار حیوانات مختلف داشته است که البته برخی از آن‌ها از گونه کمیاب بودند. می‌توان به شکار و تفرج وی در باغ‌ها و ابنیه سلطنتی، جاجرود، دوشان تپه، قصر قاجار، سرخه‌حصار، شهرستانک، صاحبقرانیه، سلطنت آباد و عشرت‌آباد و همچنین باغات و عمارات رجال و شاهزادگان پارک اتابک، امیریه، کامرانیه و... اشاره نمود (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ الف: ۴۴، ۴۸؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۳: ۲۱)

شکار انگیزه اصلی وی در هر سفر داخلی بود که بخشی از سال را صرف گذراندن در شکارگاه‌ها می‌نمود ولی این فقط به داخل مختص نبود بلکه در سفرهای خارجی نیز از این موضوع غافل نمی‌شد. او در مسیر سفر به عتبات که اولین سفر خارجی‌اش محسوب می‌شد هر جا فرصتی می‌یافت به شکار حیوانات می‌پرداخت؛ از جمله در ساوه، نوبران، همدان، کنگاور، بیستون و کرد و حتی در خاک عثمانی. از جمله مواردی که نشان‌دهنده تمایل شاه به شکار است سفر به سلطانیه در زمان مرگ جیران تجریشی (فروغ السلطنه بود) که شکار را ترجیح داد و در مراسم خاک‌سپاری و عزاداری محبوبش در پایتخت نماند (امانت، ۱۳۹۳: ۴۷۱)

نحوه برگزاری مراسم شکار:

پیش از دوره قاجار رسم بوده، زمانی که سلطان وقت می‌خواست به شکار برود چند روز قبل پرچم سرخ‌رنگی را بالای برج یا ساختمان مرتفع وسط شهر می‌افراشتند ولی در زمان قاجار این رسم به گونه‌ای بوده است که قبل از طلوع آفتاب صبحی که شاه به شکار می‌رفت یک گلوله توپ شلیک می‌کردند. هر وقت شاه عزم شکار می‌نمود پیشاپیش تعداد زیادی شتر و قاطر باروبنه سفر و مخصوصاً چادر بزرگ و سرخ‌رنگ سلطنتی را حمل می‌کردند و به همراهی شاه عده زیادی از درباریان و چند دسته سوار هم حرکت می‌نمودند (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ ب: ۵۱؛ بنجامین، ۱۳۹۴: ۱۹۳-۱۹۴). گاه تعداد افراد حاضر در شکارگاه به صدها نفر می‌رسید: «جمیع پیشخدمت‌ها و ملتزمین آن‌ها که شکار را می‌گریزند، قریب پانصد همراه بودند» (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۸: ۳۹). شاه در شکارهای اطراف تهران برخی از همسران خود را هم همراه می‌برد (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۸: ۱۰، ۱۵). علاقه او به شکار باعث شده بود که در ارتفاعات صعب‌العبور شهرستانک دستور داده بود برای او قصری بنا کنند. عبور زنان حرم‌سرا که همراه شاه بودند و با تخت روان جابه‌جا می‌شدند مشکلات زیادی به بار می‌آورد. در سفر شاه به شهرستانک چند تن از همراهان شاه و چند رأس اسب و قاطر از پرتگاه به اعماق دره‌ها می‌افتادند و تلف می‌شدند و یا به‌سختی خود را به مقر شکارگاه می‌رساندند (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ ب: ۵۳؛ بنجامین، ۱۳۹۴: ۱۹۴)

وقتی شاه می‌خواست به شکار برود برنامه دقیقی برای شکار طراحی می‌شد و لازمه اجرای آن این بود که شکار شاه بر اساس سعد و نحس بودن کواکب انجام بگیرد. اگر از طرف منجمان دربار رفتن شاه به شکار تأیید نمی‌شد، چند روزی را در باغ‌هایی چون نگارستان یا نظامیه به سر می‌برد. تا روزی برای شکار مشخص شود. نحوه شکار رفتن شاه به یک صورت تکراری انجام نمی‌شد، زمانی که برای شکار عادی می‌رفت لازمه آن چند نوکر سوار و اسب‌تازی بود. در صورتی که در شکارهای بزرگ‌تر و مهم‌تر، باز و قوش را برای شکار پرندگان همراه می‌بردند. مهم‌ترین شکار سلطنتی سالی یک‌بار در اواخر ماه دسامبر در دره جاجرود که شکارگاه کوچکی در آنجا بود انجام می‌گرفته است. به گونه‌ای که چند توپ به‌عنوان علامت روشن می‌شد و نیمی از سکنه آن منطقه را خالی می‌نمودند. اگر بخواهیم به همراهان شاه اشاره کنیم ذکر این نکته ضروری است که علاوه بر شکارچیان، وزرا و معاونین، کارمندان، نظامیان صاحب‌مقام، شاهزادگان با اردوی شکار شاه همراه می‌شدند که این شکار سلطنتی گاهی بیش از یک هفته طول می‌کشید (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۳۳-۱۳۱).

مقام رسمی دربار که وظیفه تدارکات و برنامه‌ریزی شکار را بر عهده داشت، «میرشکار» بود (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ الف: ۳۸). او وظیفه تدارکات و برنامه‌ریزی شکار و ماندن شکارها به سمت شاه و رهگیری شکارها در شکارگاه‌های سلطنتی، نظارت بر قرق و آگاه کردن شاه از مسیرهای حرکت حیوانات را بر عهده داشت. در کنار آن هر وقت شاه در کوه‌های صعب‌العبور البرز در اطراف تهران در حرکت دائم به سمت شکار به‌سختی می‌افتاد، معمولاً به دستور وی میرشکار وظیفه ساختن راه‌های کوهستانی برای سهولت حرکت شاه را عهده‌دار می‌شد (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ الف: ۲۸۴-۲۸۵؛ ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۸: ۱۷). همراهی طولانی‌مدت سبب می‌شد، رابطه عاطفی و نزدیکی معمولاً بین شاه و همراهان دائمی او در شکار شکل بگیرد، به‌طوری‌که او برای مرگ یکی از میرشکارها به‌شدت در جمع اهالی شکار گریست (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ ب: ۴۷)

روش ناصرالدین‌شاه معمولاً در شکار این‌گونه بود که افرادی را به‌خصوص میرشکار را پیش از عزیمت خود به دنبال شکارها می‌فرستاد. اگر فصل زمستان بود، شاه و همراهانش با دنبال کردن رد پای میرشکار خود را به او می‌رساندند و او با علامت‌هایی محل دقیق حضور شکارها را به شاه و اطرافیانش اعلام می‌کرد (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۹: ۲؛ ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۸: ۲۵). آن‌ها با پیدا کردن شکار و ماندن آن‌ها به‌طرف شاه، شرایط را برای شاه مهیا می‌کردند: «منتظر بودیم عزیزالسلطان شکاری از بالاها بریزد، برای ما بیاید؛ به این جهت از ریشه گوی‌داغ بزرگ می‌رفتیم رو به مغرب. سواره و جمعیت زیاد همراه ما بود. تا رسیدیم به محاذی دره‌ای که به منزل راه است، می‌رود. یک‌دفعه دیدیم باشی هس هس می‌کند، یواش یواش صدا می‌کند. یک تازی چی موزردی هم که داریم و اسمش حسن آقا است با باشی، یک دسته دیده بودند. باشی آهسته‌آهسته ما را خبر کرد و خوب بود که خیلی آرام به ما نشان داد و خودش را پائین کشید که شکارها فرار نکنند. دیدم روی تپه کوچکی در ریشه گوی‌داغ کوچ، آفتاب‌رو؛ یک دسته قوچ که به‌قدر چهل پنجاه‌تا بودند، با شاخ‌های بزرگ که مثل جنگل از دور پیدا بود، ایستاده بودند. خیلی زیاد و قشنگ، مثل جنگل، شاخشان از دور پیدا بود. همین‌که ما را دیدند شکستند رو به پائین. طرف منزل. ما هم از عقب آن‌ها تاخت کردیم. مجد الدوله داد می‌کرد که قدری بالادست بتازید. ما قدری پائین افتاده بودیم و می‌راندیم. دره به دره کوه به کوه می‌تاختیم که به آن‌ها برسیم. دیدیم دوباره قوچ‌ها برگشتند به همان جای اول که دیدیم. ما هم برگشتیم از عقب آن‌ها، روی همان تپه که اول بودند، جیق زدند. ایستادند. پیاده شدیم، روبروی آن‌ها بنا کردیم تیر انداختن. هر چه نگاه کریم دیدیم نیفتادند و دوباره برگشتند به‌جایی که گریخته بودند» (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۸: ۲۲-۲۱).

ناصرالدین‌شاه محدودیتی برای خود در شکار قائل نبود و نظم خاصی هم در این‌باره رعایت نمی‌شد، شاه معمولاً همیشه تفنگ به همراه داشت در هر سفری اگر موردی برای شکار مشاهده می‌شد، چند مورد از حیوانات توسط شاه شکار می‌شدند (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۸۷؛ ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۸۱: ۱۹۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۵۶). در شکارهای رسمی معمولاً تفنگدارهایی همراه شاه بودند که وظیفه حمل تفنگ‌های شکاری را عهده‌دار بودند به‌محض رؤیت شکار، آن را برای شلیک به شاه تقدیم می‌کردند. بقیه اطرافیان شاه نیز معمولاً بدون هیچ معطلی تفنگ آماده به شلیک خود را در اختیار وی قرار می‌دادند (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۸: ۳۵؛ ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ ب: ۴۵۵). گاه برای دنبال کردن شکارها از کالسکه پیاده می‌شد و سواره یا پیاده به دنبال آن‌ها می‌دوید (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۸۷: ۵۰).

ناصرالدین شاه معمولاً از تفنگ معمولی یا تفنگ ساچمه‌ای که به آن «چهار پاره» می‌گفتند در شکار استفاده می‌کرد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۷ ب: ۴۶۱). دربارهٔ مهارت شاه در شکار، روایات زیادی وجود دارد؛ خود شاه گاهی از مهارت خود در شکار پرندگان سخن رانده است (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۸۷: ۱۱۴؛ ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۸۱: ۱۲۰)، اما گاه اذعان می‌کند که هر چه تیر انداختیم به هدف نخورد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۸۱: ۱۲۰؛ ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۵: ۱۴-۱۵)، اعتمادالسلطنه هم به خطا رفتن تیر شاه اشاره دارد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۲۹)؛ بنابراین نمی‌توان او را فرد ماهری در تیراندازی دانست و خود او هم چنین ادعایی ندارد، اگرچه به هدف خوردن تیر هم معلول موارد و مقتضیات زیادی بوده است؛ اما شاه هر وقت در شکار موفق نمی‌شد یا تیرش خطا می‌رفت به شدت ناراحت می‌شد و اطرافیانش به ویژه میرشکار را ملامت می‌کرد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۵: ۱۴-۱۵). اعتمادالسلطنه شجاعت و مهارت شاه در تیراندازی را ستوده است. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۵). فوریه در رابطه با شجاعت و توانایی شاه و اطرافیانش درباره شکار این نظر را دارد که برای شاه و همراهان او شکار درنده‌ترین حیوانات عادی است و شکار پلنگ را با شکار خرگوش به همان آسانی و بدون ترس برابر می‌داند. (فوریه، ۱۳۲۵: ۲۲۲-۲۲۵) به نظر می‌رسد او شجاعت خاصی در شکار داشت و در شکار حیواناتی اعم از پلنگ و ببر، علی‌رغم فرار برخی درباریان، از جلوی شکار فرار نمی‌کرد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۹: ۲۵؛ بنجامین، ۱۳۹۴: ۱۹۵-۱۹۴) شاه آن قدر به شکار رفته بود که با دیدن شکارها از فاصلهٔ دور سن آن‌ها را به راحتی تخمین می‌زد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۷ ب: ۴۵۵). پولاک معتقد است که تیر شاه همیشه به هدف نمی‌خورده است ولی اطرافیان شاه برای خوش خدمتی چند کبک تازه شکار شده همراه خود داشته‌اند که به جای پرنده‌ای که هدف گلوله شاه نشده به شاه تقدیم می‌کردند و به عبارت درست‌تر آن شکار را به جای حیوان از تیر گریخته به شاه جا می‌زدند. (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۳۳-۱۳۱). معمولاً هر وقت شاه حیوانی را با تفنگ هدف قرار می‌داد، افرادی را به همراه سگ‌های تازی یا تنها به دنبال شکار روانه می‌کردند، آن‌ها نیز در لابه‌لای کوه‌ها، صخره‌ها و دره‌ها به دنبال حیوان تیرخورده رفته و آن‌ها را زنده یا ذبح شده نزد شاه می‌آوردند و شاه نیز با دیدن به هدف خوردن تیر خود خوشحال می‌شد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۸: ۱۷)؛ بنابراین این مسئله یک‌رویه معمول در شکار حتی برای افراد عادی بود و نمی‌توان گفت ناصرالدین شاه مهارتی نداشت و درباریان برای خوش خدمتی به او دروغ می‌گفتند، به خصوص آن‌که شاه خوش نداشت کسی به شکاری که او زخمی کرده بود، تیر بزند (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۸: ۳۶).

معمولاً شاه هر وقت شاه شکاری را هدف قرار می‌داد، همراهانش اگر حلال‌گوشت بود سریع خود را به سروقت حیوان رسانده و قبل از تلف شدن، آن را ذبح شرعی می‌کردند؛ اما در هر صورت افرادی همیشه همراه شاه بودند که شکارهای شاه را اعم از حلال‌گوشت و غیره به منزل حمل می‌کردند و اگر شکار مثل گراز سنگین بود، به وسیلهٔ حیوانات بارکش آن‌ها را حمل می‌کردند (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۹: ۱۸؛ ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۸: ۱۹). وقت شاه به شکار می‌پرداخت، اگر گوشت آن حلال بود و قابل خوردن بود، بلافاصله بساط کباب برپا می‌شد و شاه بخشی از شکار خود را می‌خورد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۸۷: ۲۷۹). یا گاهی آن را به منزل یا قصر آورده و خود شاه آن را با دستان خود کباب می‌کرد و می‌خورد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۸: ۲). ناصرالدین شاه اکثر شکارهایی که می‌زد برای رجال و شاهزادگان و یا سفرای خارجی می‌فرستاد و شکار پلنگ جزو آن‌ها بود. البته در مقابل این اظهار مرحمت با

آورنده شکار که اکثراً برای شاهزادگان نزدیک شاه بود، انعامی می‌دادند و شخص دریافت‌کننده هدیه به خود می‌بالید (مستوفی، ۱۳۲۴، ج ۱: ۴۱۴؛ بروگش، ۱۳۶۷: ۵۴۴).

علاقه ناصرالدین‌شاه به شکار در یادداشت‌های روانه‌ی وی نیز بازتاب داشته است، او با چنان مهارت و جزئیاتی صحنه‌های شکار، نام کوه‌ها، چشمه‌ها و دره‌ها را ترسیم می‌کند که خواننده آن به‌خوبی می‌تواند آن‌ها را تصور کند. درحالی‌که او از دیگر وقایع ایام خود با چنین علاقه و حرارتی یاد نکرده است. او همچنین استقامت و پایداری زیادی در مسئله شکار داشت و اصلاً از آن خسته نمی‌شد، در موردی می‌نویسد که: «قوچ‌ها هم همانطور خوابیده و رم نمی‌کردند. اکبر خان رسید و تفنگ را گذارد روی سنگ و انداخت برای قوچ‌ها. به همان تیر اول یک قوچ را زد. چند تیر دیگر هم انداخت. شکارها گریختند رو به ما، اما به سرازیر رفتند برای تختی پائین. ما هم پیاده، تفنگ‌ها را برداشته، از توی راه بنا کردیم به دویدن. سرازیر هی آمدیم که به شکارها نزدیک بشویم. دراین‌بین که می‌رفتم سه قوچ بزرگ از شصت قدمی ما بیرون آمدند، از جلو ما می‌رفتند. چون ما مستعد شکار نبودیم و هیچ به خیال این‌ها نبودیم، دو تیر گلوله دست‌پاچه انداختم؛ نخورد. بعد که قدری دورتر شدند، یک گلوله دیگر انداختم. صدای گلوله معلوم بود که به گوشت خورده و زده‌ام، زخمی شده است، اما نیفتاد. با آن‌ها رفت. یک کوه بزرگی بود رفت پشت آن کوه» (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ الف: ۲۸۵-۲۸۴).

شاه حتی در سال‌های آخر عمر خود باوجود مشکلات و بحران‌های کشور بازهم شکار و سفر برایش بسیار لذت‌بخش بود و باوجوداینکه به سن هفتادسالگی نزدیک می‌شد دست از شکار برنمی‌داشت. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۹۰۰) گاه او و اطرافیانش آن‌قدر به دنبال شکار در کوه‌ها و دره‌ها می‌رفتند که به تاریکی شب می‌خوردند و راه را گم کرده و به‌سختی تمام خود را به منزل می‌رساندند (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۸: ۳۶).

علاوه بر نزدیکان و خواص شاه که در شکارهای وی حضور داشتند پزشکان دربار نیز وی را همراهی می‌کردند. افرادی که از همراهان دائمی شاه در شکار بودند، شاه آن‌ها را «اهل شکار» معرفی می‌کند. او معمولاً گروه‌های زیاد را زود مرخص می‌کرد و با این همراهان خود دائم به دنبال شکار می‌رفت (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۸: ۱۹۹). اطرفیان ناصرالدین‌شاه هم معمولاً در سفرها دائم آماده شکار بودند و مهارت زیادی در آن داشتند و همواره مورد تحسین شاه قرار می‌گرفتند (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۸۷: ۱۸؛ ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۵: ۲۱). شاه معمولاً زمانی که شاه عازم شکار می‌شد، افرادی که مهارتی در شکار نداشتند را همراه نمی‌برد و آن‌ها را مزاحم خطاب می‌کند (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ ب: ۴۶۰). ناصرالدین‌شاه معمولاً از درباریان او هرکسی شکار قابل‌توجهی انجام می‌داد به حضور شاه می‌آورد و شاه هم به فراخور مقامان فرد و شکاری که انجام داده بود، معمولاً به آن‌ها انعام می‌داد (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۸۷: ۴۵؛ ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ الف: ۵۴)؛ اما او دوست نداشت که حیواناتی که در تیررس یا مسیر حرکت وی بودند، به‌وسیله همراهانش مورد هدف قرار بگیرد (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ ب: ۴۶۱). همچنین زمانی که شاه در شکار موفق می‌شد و حیوانات متعددی را شکار می‌کرد به افراد حاضر در شکارگاه انعام خوبی می‌داد: «صد و پنجاه تومان امروز برای این سه قوچ به تفنگدارها و شکارچی‌ها و غیره انعام دادیم» (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۷ ب: ۴۵۸).

از طرفی در این سفرهای شاهی هم شاه از وسایل آسایش خود غافل نبود؛ شاه معمولاً قبل از صبح حرکت به سمت محل شکار، محل اتراق ناهار را مشخص می‌کرد و عمله آشپزخانه و آبدارخانه خود را به آن محل رسانده و برافراشتن چادر، اسباب و بساط خوراک شاه را فراهم می‌کردند. به این مکان «آفتاب‌گردان» گفته می‌شد. شاه برای ناهار و عصرانه معمولاً خود را به آنجا می‌رساند و اگر خیلی خسته می‌شد، به دستور شاه آن‌ها بساط خود را به نزد شاه برده و برپا می‌کردند. شاه علاوه بر چای و غذا در آنجا استراحت کرده و نماز می‌خواند (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۸: ۲۵، ۳۴؛ ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۷: ب: ۵۰).

تبعات شکارهای بی‌رویه ناصرالدین شاه بر حیات وحش

ناصرالدین شاه در یادداشت‌های روزانه خود تلاش کرده تا نشان دهد که حضور شاه در شکار به معنی تعطیلی امور کشور نبود و تبعات سیاسی برای کشور به دنبال نداشت؛ در زمان حضور او در شکار عوامل دربار و دیوان دائم بین شکارگاه و تهران دررفت و آمد بودند و دستورات لازم برای اداره کشور را از او دریافت می‌کردند. علاوه بر آن مقامی به نام «امین خدمت» دائم مکاتبات و نامه‌های صدراعظم را به شکارگاه شاه می‌برد و شاه دستورات کتبی لازم را درباره آن‌ها صادر می‌کرد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۷: ب: ۴۶-۴۵). خود شاه نیز در موارد ضروری شبانه به تهران می‌آمد و صبح دوباره به شکارگاه عزیمت می‌کرد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۷: ب: ۵۰). گاه شاه در بحبوحه شکار فرامین لازم را صادر می‌کرد: «کاغذ زیادی داشتیم. ما همین‌طور راه می‌رفتیم و به تیهو می‌خواستیم تفنگ بیندازیم و آن‌ها کاغذ می‌خواندند تا کاغذها را تمام کردیم» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۷: ب: ۴۶). در مواردی هم صدراعظم و دیگر درباریان را به شکارگاه یا قصرهای ییلاقی نزدیک شکارگاه احضار می‌کرد و درباره امور جاری کشور مشورت می‌گرفت (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۷: ب: ۴۸)؛ اما برخی از افراد روشنفکر علاقه بیش از حد شاه به شکار را عامل بی‌توجهی وی به امور کشور دانسته و به شدت از آن انتقاد می‌کردند و شکار را بهانه‌ای برای فرار از مسئولیت کشورداری می‌دانستند (ملک‌زاده، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۸۹).

سرزمین ایران به خاطر تنوع جغرافیایی و زیستی زیستگاه حیوانات وحشی متنوعی است و این مسئله محرک گسترش پدیده شکار در این کشور گردیده است (شفیعی، ۱۳۹۷: ۱۰۸۷)؛ اما مهم‌ترین نتیجه علاقه مفرط شاه و اطرافیانش به شکار، نابودی بدون محدودیت حیات وحش و از بین بردن گونه‌های ارزشمند حیوانی در کشور بود؛ شاه محدودیتی برای تعداد و نوع حیوان شکاری قائل نبود و گاه در یک روز گراز، خرگوش، کبک، قوچ و میش و هر حیوان دیگری که در مسیرش قرار می‌گرفت، بدون هیچ نوع محدودیت به هر تعداد شکار می‌کرد و همراهانش هم به تاسی از شاه به این کار دست می‌زدند (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۸: ۲۰؛ ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۷: ب: ۴۵). شاه گوشت حیوانات حرام گوشت را طعمه سگ‌ها و گربه‌ها می‌کرد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۹: ۴). شاه در خطرات خود با آب و تاب فراوان از شکار پلنگ سخن رانده است (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۹: ۱۶-۱۵). این نوع شکار برای غرور شاه و نمایش قدرت او بسیار مهم بود و زمان مشاهده پلنگ شکار دیگر حیوانات را رها کرده و با حرص و ولع عجیبی به دنبال پلنگ برای شکار می‌گشت به‌ویژه آن‌که آن را به شهر می‌آورد و در معرض دید درباریان قرار داده و حتی عکس آن را می‌انداخت (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۹: ۱۶-۱۵). گاه به فاصله چند روز شاه چند پلنگ را شکار می‌کرد

(ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۹: ۱۵، ۲۰). همچنین در این شکارها توجهی به فصل جفت‌گیری و زادوولد حیوانات نمی‌شد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۷ ب: ۴۸). حتی بره‌های حیواناتی نظیر میش و به زکوهی مورد هدف قرار می‌گرفتند (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۷ ب: ۴۵۹).

شکارهای او انواع پرندگان (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۸۷: ۲۷، ۳۳، ۱۱۴؛ ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۸: ۶) پلنگ و ببر، خرس (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۹: ۱۵؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ج ۳: ۲۰۱۹) مرال (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۲۹) قوچ و میش، خرگوش و گراز و هر چیزی که قابل شکار کردن بود را شامل می‌شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۵۶؛ ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۵: ۱۳؛ ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۷: ۲۸۵). جمع‌بندی تعداد شکارهای وی تقریباً محال است، اما اعتمادالسلطنه در اواخر حیات وی معتقد است که شاه با آنکه تا به آن سن حدود پنج هزار قوچ و میش و سی چهل پلنگ شکار نموده بود بازهم میل به شکار در وجود او زنده بوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۹۰۰).

بحث و نتیجه‌گیری

ناصرالدین شاه قاجار با پنجاه سال سلطنت، یکی از طولانی‌ترین دوره‌های سلطنت در تاریخ ایران را تجربه کرد. بخش بزرگی از این دوران طولانی در صلح و آرامش با همسایگان و امنیت داخلی سپری شد و این شاه با چالش جدی که اساس پادشاهی او را تهدید کند مواجه نشد، بنابراین او که پادشاهی راحت‌طلب، عیاش و علاقه‌مند به انواع تفریحات بود از این فرصت به‌خوبی بهره برد و در طول سلطنت طولانی مدت خود به تفریح و خوش‌گذرانی پرداخت. در این میان شکار که ورزش و تفریح موردعلاقه شاهان ایرانی بود، بیش از همه موردتوجه ناصرالدین شاه قرار گرفت و او به‌صورت گسترده به آن روی آورد. او در طول سلطنت خود از هر فرصتی و در هر شرایطی به شکار می‌پرداخت، به‌طوری که در تاریخ ایران کمتر شخصی را می‌توان با او مقایسه کرد. ناصرالدین شاه علاقه و مهارت زیادی در شکار داشت و در سراسر کشور شکارگاه‌های سلطنتی به وجود آورد و به همراه بخشی از درباریان خود که برای این منظور در اطراف او جمع شده بودند، فارغ از امور و دغدغه‌های کشورداری به‌صورت گسترده به شکار می‌پرداخت.

در این دوره مسائل زیست‌محیطی و حفظ منابع زمینی و جانوری جایگاهی در ذهن و اندیشه شاه و درباریان او و حتی روشنفکران نداشت و هیچ قانونی هم درباره آن وجود نداشت، بنابراین آن‌ها به‌صورت گسترده به شکار انواع حیوانات ارزشمند حیات‌وحش ایران اقدام می‌کردند و در این مورد هیچ محدودیتی درباره نوع حیوان و یا زمان شکار و میزان و تعداد آن برای خود قائل نبودند. هدف آن‌ها از شکار تنها تفریح، لذت‌جویی و نمایش قدرت و مهارت جنگاوری و شکارگری بود، بنابراین به‌صورت گسترده حیوانات حیات‌وحش را شکار کرده و تلف می‌کردند. این مسئله باعث کاهش گسترده جمعیت حیات‌وحش ایران شد و در از بین رفتن گونه‌های ارزشمند جانوری ایران در دوره‌های بعدی نقش مهمی داشت.

- آدینه وند، مسعود، عادل فر، باقرعلی، امرایی، شمس الدین و بازوند، ستار. (۱۳۹۵). تحلیل پدیده‌ی شکار سلطنتی در عصر قاجار، فصلنامه گنجینه‌ی اسناد، سال بیست و ششم، دفتر چهارم، ص ۴۲-۶۳.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. (۱۳۶۷). چهل سال تاریخ ایران (المآثر والآثار). به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. (۱۳۶۳). تاریخ منتظم ناصری. به کوشش محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. (۱۳۸۹). روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، تهران: امیرکبیر.
- امانت، عباسی. (۱۳۹۳). قبله عالم: ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران، ترجمه حسن کامشاد، تهران: کارنامه.
- بروگش، هنریش. (۱۳۶۷). سفری به دربار صاحبقران، ترجمه‌ی مهندس کرد بچه، تهران: اطلاعات.
- بنجامین، اس. دی. (۱۳۹۴). ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه قاجار، ترجمه حسین کرد بچه، تهران: اطلاعات.
- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). سفرنامه‌ی پولاک: ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- تانکوانی، ژی. ام. (۱۳۸۳). نامه‌هایی درباره‌ی ایران و ترکیه آسیا، ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی، تهران: چشمه.
- خودزکو، الکساندر. (۱۳۵۴). سرزمین گیلان (توصیفی تاریخی و جغرافیایی از سرزمینی واقع در جنوب دریای خزر)، ترجمه‌ی سیروس سهامی، تهران: پیام.
- دروویل، گاسپار. (۱۳۶۵). سفر در ایران، ترجمه‌ی جواد محیی، تهران: گوتنبرگ.
- دوراند، س. م. (۱۳۴۶). سفرنامه‌ی دوراند (مربوط به هیئت سرتی مور وزیرمختار انگلیس در ایران)، ترجمه‌ی علی محمد ساکی، خرم آباد: کتاب‌فروشی محمدی.
- دوسرسی، کنت. (۱۳۶۲). ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ م: سفارت فوق‌العاده‌ی کنت دوسرسی، ترجمه‌ی احسان اشراقی، مشهد: دانشگاه مشهد.
- سپهر، محمد تقی (۱۳۷۷). ناسخ التواریخ قاجاریه، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- شفیعی، زهرا. (۱۳۸۷). ارزیابی قابلیت‌های اکوتوریسم در مناطق حفاظت شده (مطالعه موردی: منطقه شکار ممنوع و حفاظت شده امروله، فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱، شماره ۲، ص ۱۰۸۱-۱۰۹۰).

- شیل، ماری. (۱۳۶۸). خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابو ترابیان، تهران: نشر نو.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور. (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴). سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی، ترجمه و حواشی از منوچهر امیری، تهران: توس.
- فلاندن، اوژن. (۲۵۳۶). سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه ی حسین نور صادقی، تهران: اشراقی.
- فوریه، ژوانس. (۱۳۲۵). سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: دنیای کتاب.
- قنبری، زهرا و خزائی، سهم الدین. (۱۴۰۰). قرق و امنیت شکار در عصر ناصری، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، سال سیزدهم، شماره پنجاهم، ص ۱-۲۵.
- قنبری، زهرا و طولابی، توران. (۱۳۹۹). شکار حیوانات توسط اشراف قاجار و پیامدهای زیست‌محیطی آن، فصلنامه تاریخ و فرهنگ، دوره پنجاه و دوم، شماره یک، ص ۱۱۵-۱۴۰.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۲۴). شرح زندگانی من، تهران: علمی.
- ملکزاده، مهدی (۱۳۷۱). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: سخن.
- معیرالممالک، دوست علی خان. (۱۳۶۱). یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه، تهران: تاریخ ایران.
- مونس الدوله. (۱۳۸۰). خاطرات مونس الدوله، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران: زرین
- ناصرالدین‌شاه قاجار. (۱۳۸۱). سفرهای ناصرالدین‌شاه قاجار به قم (۱۳۰۹-۱۲۶۶ هـ ق)، به کوشش فاطمه قاضیها، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- ناصرالدین‌شاه قاجار، (۱۳۸۷). سفرنامه عراق عجم به‌ضمیمه تاریخ و جغرافیای راه عراق عجم نوشته محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، به کوشش میر هاشم محدث، تهران: اطلاعات.
- ناصرالدین‌شاه قاجار. (۱۳۹۵). روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه قاجار: از ربیع‌الاول ۱۲۸۳ تا جمادی‌الثانی ۱۲۸۴ ق به انضمام سفرنامه خراسان، به کوشش مجید عبد امین، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی و سخن.
- ناصرالدین‌شاه قاجار. (۱۳۹۷ الف). روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه قاجار: از ربیع‌الاول ۱۳۰۸ تا ربیع‌الثانی ۱۳۰۹ ق به انضمام سفرنامه لار، شهرستانک و کلاردشت، به کوشش مجید عبد امین و نسرین خلیلی، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی و سخن.

- ناصرالدین شاه قاجار. (۱۳۹۷ ب). روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار: از ربیع الاول ۱۳۱۰ تا جمادی الاول ۱۳۱۲ ق، به کوشش مجید عبد امین، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی و سخن.
- ناصرالدین شاه قاجار. (۱۳۹۸). روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار: از جمادی الاول ۱۳۱۲ تا ذی قعدة ۱۳۱۳ ق، به کوشش مجید عبد امین، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی و سخن.
- ناصرالدین شاه قاجار. (۱۳۹۹). روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار: از ربیع الاول ۱۲۸۷ تا شوال ۱۲۸۸ ق، به کوشش مجید عبد امین، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی و سخن.
- هدایت، رضاقی خان. (۱۳۸۰). تاریخ روضه الصفاى ناصری، به تصحیح و تحشیه ی جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- ویلس، چارلز جیمس. (۱۳۶۳). تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، مترجم سید عبدالله، تهران: زرین.